

ساز و آهنگ باستان یا تاریخ موسیقی

تألیف مرحوم شمس العلماء
حاج میرزا محمد حسین قریب



با مقدمه فاضلانه به قلم آقای روح الله خالقی



نشر خُنیاگر

تلفن: ۴۴۶۶۸۹۴۳ (تلفکس) و ۰۹۱۹۱۲۶۸۱۰۶

Email: khonyagarPub@gmail.com

کانال نشر خُنیاگر: telegram.me/khonyagarPublications

ساز و آهنگ باستان یا تاریخ موسیقی

تألیف شمس العلماء حاج میرزا

محمد حسین قریب

مقدمه روح الله خالقی

حروف نگاری و نمونه خوانی شهاب مینا

افزودن معنای واژگان دشوار شهاب مینا

چاپ اول ۱۴۰۵

تعداد ۱۰۰ نسخه

© حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۳۲۵-۹-۳ ISBN: 978-622-88325-9-3

فهرست^۱

۶	مقدمه روح الله خالقی
۱۶	مقدمه مؤلف
۱۷	فصل اول: در تاریخ موسیقی ایران
۲۹	فصل دوم: [آلات موسیقی]
۳۱	فصل سوم: [درآمد و آواز و تصنیف و رنگ]
۳۳	فصل چهارم: در بیات علامات موسیقی که از روی آن نغم و الحان به کار برده شود
۳۵	فصل پنجم: در تأثیر آوازهای مختلفه در نفوس
۳۶	فصل ششم: [بعضی از اهل فن در دوره قاجار]
	فصل هفتم: در باب مقارنات، یعنی توأم ساختن آلات سماع و ایقاع که اروپائیان آکومپانیمان خوانند
۳۷	
۳۹	فصل هشتم: در وجه تسمیه مقامات و نغمات
	فصل نهم: در بیان حدیثی که در باب تأثیر سماع روایت کرده اند و اهتمام بعضی از سلاطین و علما به شأن موسیقی
۴۱	
	فصل دهم: در باب اسامی و اوصاف بعضی از آلات بنا بر آنچه خواجه عبدالقادر المراغی و دیگران گفته اند
۴۷	
۵۷	فصل یازدهم: [فرم‌ها]

فصل اول در تاریخ موسیقی ایران

در تمام کتب این فن که به فارسی و عربی دیده شده وضع و اختراع موسیقی را به فیثاغورث یونانی نسبت داده‌اند و ضمناً بعضی مطالب که از قبیل افسانه و اساطیر قرون اولی می‌باشد نیز در اطراف این موضوع ذکر شده چنان‌که گفته‌اند روح فیثاغورث به واسطه تصفیه و ریاضات به عالم بالا اتصال و ارتباطی یافته آواز خوشی از صریر گردش افلاک استماع نمود و در خاطرش نقش پذیر شد. تا وقتی در صحرا کله پوسیده‌ای دید که بر مجرای باد واقع شده و صدایی از آن بر می‌آید. کله را برداشته چند تار ابریشم بر آن بست و نغمه خوشی یافت. پس رود را اختراع نمود و با آن مقامات و آهنگ‌هایی که از صدای صریر افلاک در خزینه خاطر داشت بناوخت؛ بالجمله این حکیم یونانی همچو آلت موسیقی از جنس تار و سه‌تار اختراع نموده که بعدها به صور مختلفه درآمده و اقسام و اسامی عدیده یافته. گاهی عدد اوتار دو تار ابریشم بوده و گاهی افزوده شده تا هشت تار و زیاده رسیده. گاه به جای ابریشم مفتول فلزی شده و گاهی زه (روده تابیده) و نواختن آن گاهی با ناخن بوده و گاه با مضراب فلزی و در بعضی اقسام آن با کمانی که زه آن موی اسب یا انسان است. اینها در واقع از جنس واحد و شبیه یکدیگرند و البته آنچه تارهای آن بیشتر است هم مطبوع‌تر است و هم نواختن آن مشکل‌تر و عموماً این جنس را که دارای زه و تار است ذوات الاوتار خوانند.

و جنس دیگر آن که به واسطه دمیدن به صدا و آواز آید، چون نای و شیپور، ذوات النفخ گویند و از این قسم یکی کرنای است که در جنگ‌ها معمول بوده و دیگری

۱. [آواز/ فریادکردن و بانگ سخت برآوردن. پانویس‌های داخل قلاب. افزوده شهاب مینا]

سرنا که اصلاً سوزنای است که در جشن و سور متداول بوده و اهل فن ذوات النفخ را چون طبیعی تر و به صوت حنجره اشبه^۱ است رجحان داده و گویند قدیم تر از ذوات الاوتار است و برای معلوم کردن اصول الحان بهتر از قسم دیگر.

از ایرانیان قبل از اسلام نام باربد و نکیسا و سرکش در شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی مذکور است. اگرچه بسیاری از حکایات این دو کتاب به افسانه می ماند، لکن چون سی لحن باربدی در کتاب برهان قاطع و غیر آن از کتب لغت و در قصاید و منظومات شعرا مذکور و در عهد فردوسی و منوچهری و نظامی و قرن های بعد از آن هم معمول بوده و معروف است که باربد از صد لحن معلومات خود سی لحن انتخاب کرده و هریک را به مناسبت چیزهای عمده عصر خود تسمیه نموده، معلوم می شود افسانه محض نیست و همچو استاد ماهر حاذقی در آن دوره به تکمیل و تنقیح^۲ این صنعت کوشیده و در قرون اولیه اسلام نیز چون از زمان پرویز مدت زیادی نگذشته بود مطالب اصطلاحات الحان در محفوظات ایرانیان باقی بود و در عصر بنی مروان موقعی برای اظهار آن یافتند و سی لحن باربدی به کلی از میان نرفت.

حکیم نظامی گوید:

ز صد دستان که او را بود دمساز گزیده کرد سی لحن خوش آواز
 چو باد از «گنج باد آورد» راندی ز هر بادی لبش کنجی نشاندی
 چو «تخت طاقدیسی» ساز کردی بهشت از باغ با در باز کردی
 هر آن شب کو گزفتی راه «شب دیز» شدند جمله آفاق شب خیز
 چو زخمه راندی از «کین سیاوش» پراز خون سیاوشان شدی گوش
 چو کردی «کین ایرج» را سرآغاز جهان را کین ایرج نوشدی باز
 چو کردی «باغ شیرین» را شکر بار درخت نار را شیرین شدی بار
 نظامی در بقیه این ابیات تمامی سی لحن باربدی را آورده ولی ما به همین چند بیت اکتفا کردیم.

اولاً از اسم طاقدیس و شب دیز و باغ شیرین معلوم می شود این اسامی را به الحان مخصوصه در زمان خسرو پرویز گذارده اند. پس وضع لحن یا تسمیه آن از باربد است.

۱. [شبهه تر]

۲. [تفحص / جست و جو و تحقیق / اصلاح از عیب و نقص]

ثانیاً فهمیده می‌شود که بعضی از سرودها فرح‌انگیز و برخی مهیج‌حمیت^۱ و عصبیت^۲ بوده که آن‌را کین ایرج و کین سیاوش نامیده، زیرا که بی‌گناه کشته شدن سیاوش به دست افراسیاب و کشته شدن ایرج، پسر فریدون، به دست برادران خود، سلم و تور، مناسب بزم عیش و شادی نیست بلکه یاد آن وقایع خونین عیش را منغص^۳ نماید. صنعت باربد را نواختن بربط گفته‌اند، یعنی تار که چون شبیه به سینه «بط» (مرغابی) بوده به اسم مذکور نامیده شده ولی از بیت دویم مذکور معلوم می‌شود در ذوات النفخ ماهر بوده.

چو باد از گنج بادآورد راندی

و نکیسا را در نواختن چنگ حاذق دانسته‌اند و بعضی تصرفات در تقطیع الحان را به وی نسبت داده‌اند، چنان‌که نظامی گوید:

نکیسا نام مردی بود چنگی ندیم خاص خسرو بی‌درنگی
ز چنگ آواز موزون او برآورد غنا را رسم تقطیع او درآورد

بلکه شاید از این اشعار چنین فهمیده شود که مخترع چنگ و هم مخترع بعضی از نغمات نکیسا بوده است. در کتاب مزامیر از کتاب مقدس نواختن هر دو قسم، یعنی ذوات النفخ و ذوات الاوتار را به داوود، علیه السلام، نسبت داده معلوم می‌شود در آن عصر از هر دو نوع در بنی اسرائیل معمول بوده چنان‌که در مزمور چهارم و ششم و دوازدهم و پنجاه و سیم و پنجاه و پنجم و شصت و یکم و شصت و هفتم و هفتاد و ششم تصریح کرده که سرود داوود بر ذوات الاوتار و در ششم و دوازدهم گوید بر هشت تار و در مزمور پنجم گوید سرود داوود بر ذوات النفخ. در این صورت، ممکن است که گوییم بعضی از آلات و الحان از بنی اسرائیل به ایرانیان رسیده، سوای آنچه از یونانیان اخذ کرده‌اند و صاحب کنزالاحان گوید نای و جمیع ذوات النفخ را بنی اسرائیل اختراع کرده‌اند مگر نای سپید را که کودکان برای جمع‌آوری گوسفندان خود وضع نموده‌اند اما در اسلام اولین کسی که به این صنعت پرداخت طوئیس بود که در شئامت^۴ به وی مثل زنند زیرا که ولادتش در شب

۱. [غیرت]

۲. [حمایت و طرفداری / تعصب]

۳. [مکدر / ناگوار]

۴. [غومی / نامبارکی]

رحلت حضرت خاتم (ص) بوده در وفات ابی بکر از شیر باز گرفته در وفات عمر به بلوغ رسیده، روز قتل عثمان کدخدا شده و در روز شهادت حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، صاحب فرزند شده.

پس از طویس شریحی به این صنعت منصوب است و شاید نسب به شریح قاضی رساند و معبدنام از این دو درگذشته چنانچه در حق وی گفته‌اند:

اجاد طویس و الشریحی بعده و ما قصابات السبق الالمعبد^۱

و ابوتمام گوید:

محاسن اصناف المغنین جمه و ما قصابات السبق الالمعبد^۲

و پس از این سه تن ابراهیم بن المهدی عباسی که چند روزی نیز خلافت کرد در این صنعت کامل بود و در حق وی گفته‌اند:

نحن بامام فعال احوج منا الی امام قوّال؛ یعنی ما به پیشوای فعال بیشتر احتیاج داریم تا به پیشوای سازنده و حکیم. ابوحفص بن احوص، مخترع شهرود که از اهل سغد سمرقند بوده و بعضی انشاء اول شعر فارسی را به وی نسبت داده‌اند، و اسحاق بن ابراهیم موصلی در نهایت اشتهاست و همچنین پدرش، ابراهیم بن ماهان، و معتصم خلیفه گفته هرگاه اسحاق برای من غنا کند همی پندارم که ولایت‌ها بر ممالک من افزوده شده و از وی نقل کرده‌اند که روزی در خلوت مشغول تألیف الحان بود و در آهنگی در مانده شده ناگاه ابلیس بر وی داخل شد و تمنای منادمت^۳ نمود و در آن روز آهنگی را که برای اسحاق سخت شده ابلیس حل نمود؛ یعنی نغمه را تمام کرده بر ساز بنواخت و اسحاق را بیاموخت و از اهل اروپا نیز یک همچو قصه را نغمه^۴ «سونات دو دیابل» معروف است.

دیگر خلیل بن احمد که رحلتش در سنه ۱۷۵ بوده معرفت کامل به ایقاع و نغم داشت. در وفیات الاعیان^۴ کتاب النغم را به وی نسبت داده گوید به وسیله معرفت موسیقی علم عروض را مخترع شد.

۱. [ترجمه فارسی: پس از او، طویس و شریح سرآمد شدند. و اولین قدم‌های معبد چیست؟]

۲. [ترجمه فارسی: شایستگی‌های انواع مختلف خوانندگان بی‌شمار است. و اولین قدم‌های معبد چیست؟]

۳. [همنشینی / با یکدیگر به باده‌گساری نشستن]

۴. [اثر برجسته ابن خلکان است که مجموعه زندگی‌نامه بیش از هشتصد تن از سرشناسان به ترتیب الفبای عربی است که میان سال‌های ۱۲۵۶-۷۴ م (۶۵۴-۷۱ ق) نگاشته شده است.]

Ancient Instruments and Melodies
or
A History of Music

By the late Shams al-'Ulamā
Hāj Mirzā Mohammad Hossein Gharib

With an erudite introduction by
Ruhollāh Khāleghi

